

## بررسی مقاله «حرز» از دایره المعارف قرآن لیدن\*

محمد مهدی مسعودی\*\*

### چکیده

حرز در فرهنگ اسلامی به پاره‌ای از آیات، اذکار، اوراد و ادعیه مأثوری اطلاق می‌شود که برای حفظ جان و مال از آسیب‌ها خوانده می‌شود یا به صورت مکتوب با خود حمل می‌گردد. استعمال حرز برای مصونیت از آزار شیاطین و جنیان و نوشتن و املاء کردن آن برای شفای بیماران نزد برخی طبقات اجتماعی نیز متداول بوده است که برخی فاقد مستند روایی است. اهمیت پژوهش در این زمینه زمانی روشن می‌شود که بدانیم بی‌مبالاتی در استفاده از اوراد و عدم توجه به مأثور بودن آنها در بسیاری از موارد باعث بروز زیان‌های جبران ناپذیر می‌گردد. بررسی دیدگاه مستشرقان در خصوص فرهنگ استعمال حرز در میان مسلمانان و کتب دینی آنها که حاکی از نوع نگاه پیروان اسلام و رهبران دینی آنان به نیروهای ماوراء طبیعی است، نیز حائز اهمیت است. در این نوشتار تلاش شده با تکیه بر تحقیقات و نگاه خاص مستشرقان و بررسی و نقد پژوهش آنها در این زمینه، نگاه صحیحی از حرز و تعویذات با توجه به آموزه‌های دین اسلام و به خصوص فرهنگ تشیع با تکیه بر آیات و روایات ارائه گردد.

**کلید واژگان:** خاورشناسان، حرز، دایره المعارف قرآن.

\* تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۲/۳ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۵/۹/۷.

\*\* استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اقلید: masoudi57@gmail.com

بخش نخست: متن مقاله «حرز»<sup>[۱]</sup>کاتلین مالون اوکانر<sup>[۲]</sup>

آویزهایی که به عنوان افسون در برابر شیطان و بیماری استعمال می‌شوند.<sup>(۱)</sup> مسلمانان غالباً برای بهبود بخشیدن به شرایط روحی یا روانی مانند جنون، جن زدگی<sup>(۲)</sup> و چشم زخم<sup>(۳)</sup> از حرز استفاده می‌کنند. گاهی قرآن به شکل دعا خوانده می‌شود و یا به شکل نوشته به بدن شخص بسته می‌شود<sup>(۴)</sup> و یا در خانه جا داده می‌شود<sup>(۵)</sup>. در بین اندونزیایی‌های گایو زبان، حرزهایی که دعا نامیده شده، مشتمل است بر آیات قرآنی به زبان عربی به منظور شفا و دیگر اهداف به همراه تصاویر و کلمات تکمیلی در گایو استفاده می‌شود (J.R. Bowen, Muslims through discourse, 77-105; J. Flueckiger, Vision 271). عده‌ای روش دیگری با نام «محو» به کار می‌برند که به موجب آن، آیه‌هایی منتخب یا کل قرآن روز کاغذ نوشته می‌شود و بر آن آب می‌ریزند و سپس آن آب را می‌نوشتند (Ibn Qayyim al-Jawziyya, 124; J. Robson, Magical uses, 40; A.O. El-Tom, Drinking the Koran, 414-8; J. Flueckiger, Vision, 258). روش دیگر بهره برداری از نیروی قرآن، خواندن آیه‌هایی بر آب و استفاده از آن آب به شیوه شست‌وشوی بدن است (Ibn Qayyim al-Jawziyya, 172; D. Owusu-Ansah, Talismanic tradition, 107-11).

روش‌های دیگر شامل خواندن معوذتین (دو سوره آخر قرآن) و دیگر آیه‌ها و نام‌های خداوند با هم با حرکات جادویی<sup>(۶)</sup> مانند انداختن آب دهان بر دست‌ها، دمیدن به چهار طرف و کشیدن دست بر صورت یا دیگر قسمت‌های بدن است (Ibn Qayyim al-Jawziyya, 11, 121-4, 139, 145-6; C. Padwick, Muslim devotions, 84-91, 104-7; J.C. Burgel, Feather, 34-5).

در [برخی] احادیث به کاربرد آیات مکتوب جهت معالجه اشاره شده است و حرزهایی را تشکیل می‌دهند که ضمیمه لباس و یا حیوانات می‌شوند و یا در خانه جاسازی می‌شوند (Ibn Qayyim al-Jawziyya, 172-3; Abdallāh and al-usayn b. Bis\_ām, 125; J. Robson, Magical uses, 42; C. Padwick, Muslim devotions, 87; J. Campo, Other side, 104-5). حرزهای حاوی آیه‌های قرآنی، اعداد و نشانه‌های هندسی<sup>(۷)</sup> - مانند طلسم‌هایی به شکل مربع - غالباً به همراه شخص نگه داشته شده یا به او پوشانده می‌شوند

E. Westermarck, Ritual and belief, 144-6; A.O. Owusu-Ansah, Talismanic tradition, 96-100 and appendix; J. Robson, Magical uses, 35-7; J. Flueckiger, Vision, 251-7; V. Hoffman, Sufi sm, 154-5). توجیه مستند قرآنی استفاده از آیات قرآن در حرزها - به منظور انتقال رحمت خداوندی موجود در متن قرآن - آن است که خداوند قرآن را به شفا و رحمت توصیف نموده است (D. Owusu-Ansah, Talismanic tradition, 122). به احادیث پیامبر نیز به عنوان تأییدی بر این عمل استناد می‌شود. در کتاب الطب از صحیح بخاری (م ۸۷۰ / ۲۵۶) - مشهورترین جامع روایی - [در نزد اهل سنت] نیز تعداد زیادی از احادیث در قالب تعویذ وجود دارد که در بردارنده آیات قرآن می‌باشند.

استفاده کنندگان از حرز می‌توانستند به محدوده‌ای از نظرات فقهی استناد نمایند مبنی بر اینکه اگر این فرایند سودمند بوده<sup>(۸)</sup> و محتوای حرز از قرآن بوده باشد، استفاده از آن دلیل بر کفر یا بی‌ایمانی نمی‌باشد (D. Owusu-Ansah, Talismanic tradition, 25-40). با این حال استفاد از حرز همواره با مباحث مستمر فقهی عجین بوده است<sup>(۹)</sup>،<sup>(۱۰)</sup>

منابع قرون وسطایی برای ساختن حرزهای قرآنی بر کتاب‌های شفای جادویی مبتنی هستند مانند کتاب‌هایی که به اصطلاح مُجَرَّبَات<sup>(۱۱)</sup> نامیده شده‌اند (mujarrabāt of A\_mad (al-Dayrabī and Abū \_Abdallāh Mu\_ammad b. Yūsuf al-Sanūsī (d. 892/1486) مانند مجربات احمد دارابی و ابو عبد الله محمد بن یوسف زنوزی) و متون جادویی (مانند شمس المعرفة (خورشید دانش) (شمس المعارف الکبری از احمد البانی (م ۱۲۲۵ / ۶۲۲)) از البانی و الدر النعیم فی خواص القرآن العظیم از ابو یافعی (ابو محمد عبدالله ابن اسعد، معروف به ابو محمد یافعی (م ۱۳۶۷ / ۷۶۸)) و شمس الانوار و کنوز الاسرار از ابن الاجل تلمسانی (محمد بن محمد الحاج الغسانی التلمسانی (م ۱۳۳۶ / ۷۳۷)). این آثار با مجموعه‌های حدیثی و مجموعه‌های پزشکی که به طب نبوی اختصاص داده شده، تکمیل گردید [یعنی] همان شیوه‌های پزشکی منسوب به پیامبر.

۱۳۷

برخی از آثار جالب توجه اهل سنت در زمینه طب نبوی<sup>(۱۲)</sup> از افرادی همچون ابونعیم اصفهانی<sup>(۱۳)</sup>، ذهبی، ابن قیم جوزی و سیوطی می‌باشند. همچنین متن شیعی که طب الاثمه نام دارد تألیف عبد الله بن بسطام و برادرش حسین است<sup>(۱۴)</sup> که طبابت‌های امامان شیعه را

جمع آوری کرده‌اند (see imAm; shI\_ism and the qur\_An). این پیشینه در حوزه شفای مذهبی، مجموعه وسیعی از نوشتجات مردم پسند به شکل کتابچه‌هایی مشتمل بر حرزها (که معمولاً با عنوان مجمع الأدویه (مجموعه‌ای از داروها) نامیده می‌شوند) را در قالب دست‌نویس و سپس چاپی به وجود آورده است. در این میان می‌توان از لغة الامان فی الطب از ابن جوزی و تسهیل المنافع فی الطب از ابراهیم بن عبدالرحمن الأزرق نام برد. این امر شاهدی بر محبوبیت گسترده استفاده از حرز است ( F. Rahman, *Health and medicine*, 41-58). این گونه دفترچه‌های عملی، راهنمایی برای نسخه‌های دست‌نویس محلی بودند. از این گونه می‌توان به مجموعه‌ای از دست‌نوشت‌ها به زبان برتی سودان [یعنی زبان رایج در غرب سودان] اشاره کرد ( A.O. El-Tom, *Drinking the Koran*, 416; see also D. (Owusu-Ansah, *Talismanic tradition*, 44-91).

چاپ‌هایی از قرآن با حاشیه‌هایی بر روش‌های تفال و آیات خوش آیند برای طلسم‌های جادویی تا کنون منتشر شده است<sup>(۱۵)</sup>. دفترچه‌های راهنمایی که در مورد طلسم موجود است، اساساً آیات قرآن را به گونه‌های مختلف از جمله آیات الحفظ، آیات الشفاء، فتوح القرآن دسته بندی می‌کنند. این آیات، نام‌های نیکوی خداوند و اذکار قرآنی مانند ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ و نیز تکرار ذکر استعاذه هستند که مواد دارویی سازندگان حرزها را تشکیل می‌دهند ( K. Opitz, *Medizin im Koran*; J. Robson, *Magical uses*; B.A. Donaldson, *Koran* (as magic; C. Padwick, *Muslim devotions*; A.O. El-Tom, *Drinking the Koran*).

اعتقاد و استفاده از حرزها همچنان به عنوان طبابتی جاری در قالب شفای مذهبی اسلامی ادامه دارد و در مطالعات انسان‌شناختی سراسر دنیای مسلمان معاصر، به ویژه در خاور میانه، آفریقا ( C. Padwick, *Muslim devotions*, pp. xi-xiv, 289-97; P. Antes, *Medicine*, 187-91)، جنوب (J. Flueckiger, *The vision*) و جنوب شرقی آسیا ( J.R. Bowen, *Muslims through discourse*) مورد استناد قرار می‌گیرند. مردان و زنان هنوز هم به حرزهای قرآنی و اشکال دیگر شفای مذهبی برای فرزندان متوسل می‌شوند.

احتمال اینکه مداواکننده، - مرد - توانایی تجویز حرز کتابچه‌ها یا متون موجود در طب نبوی را داشته باشد<sup>(۱۶)</sup> یا اینکه به وسیله یک متخصص در استفاده از حرز (مانند صوفی محلی یا یک فرد مذهبی عالم در شهر، محله یا روستا) آموزش داده شود، بیشتر است ( A.O. El-Tom, *Drinking the Koran*, 415-7).

زنان به ویژه زنان مسن تر نیز می‌توانند موقعیتی برجسته در مراسم عمومی به عنوان شفا دهندگان فرهمند داشته باشند یا به عنوان واسطه‌های روح با استفاده از تکنیک تعبیر خواب و دیگر تکنیک‌های شفای عامیانه مذهبی چنین موقعیتی داشته باشند<sup>(۱۷)</sup> (J. Flueckiger, The vision, 261-80).

شفا دهندگان مذهبی معاصر به عنوان جایگزین و یا مکمل پزشکان طب غربی در هر دو طیف کشورهای مسلمان نشین و مهاجران مسلمان جوامع غربی نقش ایفا می‌کنند (P. Antes, Medicine, 181-91).

تولید و استفاده گسترده از تصاویر شفا بخش قرآنی، قدرت خلاق تعامل منابع معتبر (یعنی قرآن و حدیث) و اعتقاد واقعی و عملی در قرون وسطی و اسلام مدرن را برجسته می‌کند.

### بخش دوم: نقد

(۱) به نظر می‌رسد تعریفی که نویسنده از حرز ارائه داده، جامع نیست؛ چراکه طبق آموزه‌های اسلامی کاربرد حرز محدود به دو مورد ذکر شده نیست، بلکه مواردی همچون حفظ در برابر بلا، دشمن و حیوانات درنده را نیز شامل است. نیز تعویذهایی که در برابر چشم زخم توصیه شده و نویسنده در ادامه نیز به آن اشاره نموده است، هیچ ارتباطی به کارکرد حرز به عنوان مقابله با شیطان یا بیماری ندارد. برای مثال، حرزی موسوم به حرز یمانی هست که برای حفظ از دشمن وارد شده است (ر.ک: ابن طاووس، مهیج الدعوات و منهج العبادات، ۱۳۲۳: ۱۰۶-۱۱۵) نیز حرزی از امام صادق علیه السلام منقول است که جهت در امان ماندن از شیطان، سلطان ستمگر، آتش سوزی، غرق شدن، فروریختن بنا، زیر آوار ماندن، حفظ از حیوان درنده و دزد راهزن می‌باشد (ر.ک: همان، ۱۹۲). به منظور محافظت از عقب نیز وارد شده است که آیات ۷۹-۸۱ سوره صافات خوانده شود: «سَلَامٌ عَلٰی نُوحٍ فِي الْعَالَمِيْنَ \* اِنَّا كَذٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِيْنَ \* اِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِيْنَ» (مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۳: ۹۲/۱۴۱). نیز از امام صادق علیه السلام روایت است که برای حفظ زراعت مقداری از بذر را در دست گرفته و رو به قبله بایستد و سه بار این آیات را بخواند: «اَفْرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُوْنَ \* اَأَنْتُمْ تَزْرَعُوْنَهُ اَمْ نَحْنُ الزَّارِعُوْنَ»، سپس سه بار بگوید: «بَلِ اللّٰهُ الزَّارِعُ»، آنگاه بگوید: «اللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ حَبًّا مَّارِكًا وَ ارْزُقْنَا فِيْهِ السَّلَامَةَ»، بعد دانه را بر زمین بپاشد (کلینی، الکافی، ۱۳۶۷: ۵/۲۶۲). از امام باقر علیه السلام روایت است که هر کس این کلمات را به هنگام بیرون رفتن از خانه بخواند،

مهمات او آسان شود: «بسم الله الرحمن الرحيم، حسبي الله توكلت على الله، اللهم إني أسألك خیر أُموری كُلِّها و أَعُوذُ بِكَ مِنْ خِزْيِ الدُّنْيَا وَ عَذَابِ الآخِرَةِ» (همان، ۲ / ۵۴۱).

(۲) توصیه شده که برای در امان ماندن از آزار اجنه و شیطین حرز ابودجانه - که منقول از پیامبر اکرم ﷺ است - را نوشته و همراه نگه داشته شود (کفعمی، جنبه الامان الواقیة و حسینة الایمان الباقیة، ۱۴۰۵: ۲۲۹).

(۳) از امام صادق علیه السلام روایت است که اگر کسی بترسد که چشم او در کسی یا چشم کسی در او تأثیر کند، سه مرتبه بگوید: «ما شاء الله لا قوة إلا بالله العظیم» (همان، ۲۲۰).

(۴) مانند حرزی که خدمتکار امام رضا علیه السلام موقع شستن لباس ایشان در گریبان لباس دید و حضرت در جواب فرمود: تعویذی است که آن را از خود دور نمی‌کنم و هر که در گریبان خود نگاه دارد، بلا از او دور می‌شود و آن این است: «بسم الله الرحمن الرحيم، بسم الله إني أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا أَوْ غَيْرَ تَقِيٍّ...» (شیخ عباس قمی، الباقیات الصالحات، ۱۳۸۶: ۱۱۵۸).

(۵) اگر انسان قصد فروش خانه‌ای را دارد آیه ۱۱۱ سوره توبه را بنویسد و در جایی از خانه قرار دهد و پس از فروش بردارد (یعقوبی قاضی، انیس الصادقین، ۱۳۹۰: ۳۰۸).

(۶) حرمت سحر و جادو که در حقیقت مداخله در امور طبیعی و تصرف بی جا در نظام تکوین است، از منظر مکتب اسلام بر مسلمانان پوشیده نیست و شرع مقدس به کلی از آن نهی نموده است. این شیوه که معمولاً به عنوان ابزاری جهت منفعت طلبی سودجویان و اضرار به هم نوعان به کار می‌رود، در طول تاریخ مورد مذمت پیامبران الهی بوده است به نحوی که طبق آیات شریفه قرآن خداوند متعال در زمان سلطنت حضرت سلیمان علیه السلام دو فرشته هاروت و ماروت را جهت خنثی کردن سحر جادوگران به روی زمین فرستاد: «وَ اَتَّبِعُوا مَا تَتْلُوا الشَّيَاطِينُ عَلَىٰ مَلِكِ سُلَيْمَانَ وَ مَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَ لَكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السُّحْرَ وَ مَا أُنزِلَ عَلَى الْمَلَكَيْنِ بِبَابِلَ هَارُوتَ وَ مَارُوتَ وَ مَا يَعْلَمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّى يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَ زَوْجِهِ وَ مَا هُمْ بِضَارِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَ يَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَ لَا يَنْفَعُهُمْ وَ لَقَدْ عَلَّمُوا لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الآخِرَةِ مِنْ خَلَقٍ وَ لَبِئْسَ مَا شَرُّوا بِهِ أَنفُسَهُمْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ» (بقره/ ۱۰۵): «و آنچه را که شیطان‌ها در سلطنت سلیمان خوانده [و درس گرفته] بودند، پیروی

کردند. و سلیمان کفر نورزید، لیکن آن شیطان‌ها به کفر گراییدند که به مردم سحر می‌آموختند. و [نیز از] آنچه بر آن دو فرشته، هاروت و ماروت، در بابل فرو فرستاده شده بود [پیروی کردند]، با اینکه آن دو [فرشته] هیچ کس را تعلیم [سحر] نمی‌کردند مگر آنکه [قبلاً] به او می‌گفتند: «ما [وسیله] آزمایشی [برای شما] هستیم، پس زنه‌ار کافر نشوی.» و [لی] آنها از آن دو [فرشته] چیزهایی می‌آموختند که به وسیله آن میان مرد و همسرش جدایی بیفکنند. هر چند بدون فرمان خدا نمی‌توانستند به وسیله آن به احدی زیان برسانند. و [خلاصه] چیزی می‌آموختند که برایشان زیان داشت، و سودی بدیشان نمی‌رسانید. و قطعاً [یهودیان] دریافته بودند که هر کس خریدار این [متاع] باشد، در آخرت بهره‌ای ندارد. و ه که چه بد بود آنچه به جان خریدند- اگر می‌دانستند».

روایتی نیز از پیامبر گرامی اسلام ﷺ در نکوهش سحر وارد شده است: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لِمَرْأَةٍ سَأَلَتْهُ أَنْ لِي زَوْجًا وَبِهِ عَلِيٌّ غِلْظَةٌ وَإِنِّي صَنَعْتُ شَيْئًا لَأَعْطِفَهُ عَلَيَّ فَقَالَ لَهَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَفَ لَكَ كَدْرَتِ الْبِحَارِ وَكَدْرَتِ الطِّينِ وَ لَعْنَتِكَ الْمَلَائِكَةُ الْأَخْيَارُ وَمَلَائِكَةُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قَالَ فَصَامَتِ الْمَرْأَةُ نَهَارَهَا وَ قَامَتِ لَيْلَهَا وَ حَلَقَتْ رَأْسَهَا وَ لَبَسَتِ الْمُسْوَحَ فَبَلَغَ ذَلِكَ النَّبِيَّ ﷺ فَقَالَ إِنَّ ذَلِكَ لَا يَقْبَلُ مِنْهَا؛ زنی به رسول خدا ﷺ عرض کرد: من شوهری دارم که نسبت به من بد رفتاری می‌کرد. من سحر انجام دادم تا نظرش را به خودم معطوف نمایم. رسول خدا ﷺ فرمود: وای بر تو! آنها را کدر کردی و خاک را کدر کردی و ملائکه اخیار و فرشتگان آسمان و زمین بر تو لعنت می‌کنند. پس آن زن روزها روزه بود و شبها بیدار و سر خود را تراشید و لباس مویی پوشید تا خداوند او را ببخشد. خبرش به پیامبر رسید. پیامبر فرمود: از او قبول نمی‌شود» (شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ۱۴۱۳: ۳/۴۴۵). از این رو، حرزهای توصیه شده در آموزه‌های دینی صرفاً در امور مفید به کار رفته و در اکثر قریب به اتفاق آنها استعانت از حول و قوه الهی از طریق توسل به اسماء الله و توکل بر خداوند و استفاده از برکت موجود در آیات قرآن است و هیچ ارتباطی با سحر مذموم ندارد که صرفاً استفاده از نیروی اجنه و شاطین جهت تصرف در نظام تکوین بوده و نوعاً در جهت سودجویی و اضرار به هم نوعان به کار می‌رود و محتوای کفرآمیز و ارتکاب اعمال خلاف شرع را به همراه دارد. بنابراین اطلاق نام جادو از سوی نویسندگان در خصوص حرزهای مأتور صحیح نیست و حرکاتی مثل دست کشیدن بر ناحیه درد یا دمیدن به چهار طرف پس از

قرائت آیاتی از قرآن، صرفاً به منظور انتقال برکت و رحمتی است که پس از استعانت از حول و قوه الهی کسب شده و به ناحیه درد از طریق دست کشیدن منتقل می‌شود یا با دمیدن به چهار طرف، شر شیاطینی را که از چهار سو انسان را احاطه می‌کنند، دفع می‌نماید.

(۷) از این عبارات فهمیده می‌شود که نویسنده در صدد بررسی موضوع حرز به شکل عام بوده است و به طور خاص حرز قرآنی را بررسی ننموده است.

(۸) منظور استفاده صحیح از حرز است. برای تضمین این امر توصیه عالمان دینی بر آن است که صرفاً از حرزهای مأثور استفاده شود و از استفاده حرزهایی که منشأ روایی از معصومین علیهم‌السلام ندارند، پرهیز گردد. بی‌مبالاتی در استفاده از حرزها و عدم توجه به مأثور بودن آنها در بسیاری از موارد باعث بروز زیان‌های جبران ناپذیر می‌گردد که بر اهل فن پوشیده نیست، به ویژه آنکه استفاده از برخی حرزها نیاز به اجازه از استاد آگاه دارد.

(۹) درباره جواز و عدم جواز آویختن حرز، از روایات منقول از پیشوایان معصوم علیهم‌السلام مستفاد می‌شود که آویختن چیزهایی که در آن قرآن یا ذکر خدا باشد و از آنها بوی شرک به مشام نرسد، مباح است (حمیری، قرب الاسناد، ۱۴۱۳: ۱۱۰-۱۱۱).

(۱۰) برخی معتقدند همان‌گونه که می‌توان از آیات قرآن استفاده صحیح در جهت جلب رحمت الهی نمود، استفاده ناصحیح جهت احضار شیاطین یا غضب الهی نیز ممکن است. مستند این دیدگاه این آیه است: ﴿وَنَزَّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَ لَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا﴾ (اسراء/ ۸۲)؛ به عبارت دیگر، همان‌گونه که می‌توان از آیات قرآن برای نزول ملک بهره برد، می‌توان جهت نزول شیاطین نیز استفاده کرد که چنین استفاده‌ای از نظر فقهی حرام می‌باشد؛ برای نمونه، فلان آیه را نوشتن و در مغازه کسی گذاشتن باعث رونق کسب و کارش می‌شود اما فلان آیه باعث کساد کسب و کار می‌گردد.

(۱۱) منظور از مجربات حرزهایی است که به تجربه و نتیجه رسیده است. برخی این‌گونه حرزها را یکجا جمع نموده و مجموعه را مجربات نامیده‌اند.

(۱۲) به نظر می‌رسد نویسنده میان اصطلاح حرز و طب النبوی خلط نموده است؛ چرا که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه علیهم‌السلام گاهی همچون طبیبان آگاه طبابت می‌نمودند و این عمل یک طبابت عادی بوده و ارتباطی با حرز یا طلسم نداشته است. مجموعه روایاتی که از پیامبر در این موضوع جمع شده، طب النبوی نام گرفته است و همین معنا در مورد امامان معصوم علیهم‌السلام نیز وجود دارد که نویسنده در ادامه نیز به آن اشاره نموده است.



(۱۳) ابو نعیم احمد بن عبدالله بن احمد بن اسحاق بن موسی بن مهران اصفهانی (۳۳۴-۴۳۵ق) عامی مذهب بوده و کتابی در مناقب امیرالمؤمنین (علیه السلام) با عنوان «ما نزل من القرآن فی أمير المومنین (علیه السلام)» دارد (خویی، معجم رجال الحديث، ۱۴۱۳: ۱۴۴/۲)، اما به گفته برخی، وی در باطن شیعه بوده و بنا بر تقیه، تشیع خود را پنهان نموده است (رک: دهخدا، لغت‌نامه، ذیل همین نام). از کتاب‌های او می‌توان، اربعین (درباره حضرت مهدی (علیه السلام))، فضائل الخلفاء، مختصر الاستیعاب، ما نزل من القرآن فی امیرالمؤمنین و کتاب طب النبوی را نام برد. مزارش در محله درب الشیخ در اصفهان قرار دارد. حاکم زمان علامه مجلسی که با علامه دشمنی داشت، امر کرد که مقبره‌اش را خراب کنند تا علامه مجلسی ناراحت شود، ولی بعدها مزارش دوباره بنا شد (همان).

(۱۴) ابو عتاب، عبد الله بن بسطام بن شاپور زیات نیشابوری و برادرش حسین بن بسطام بن شاپور زیات نیشابوری (م ۴۰۱ ق)، دو تن از فقیهان و راویان بزرگ شیعه در قرن چهارم هجری می‌باشند. خاندان بسطام از روات معتبر شیعه و خاندانی اهل علم بودند که روایات اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) را نقل کرده و به دست دیگر فقهای شیعه رسانده‌اند. نجاشی در این باره می‌گوید: «بسطام بن شاپور و برادرانش زکریا، زیاد و حفص همه شخصیت‌هایی مورد اطمینان می‌باشند و روایاتی از امام جعفر صادق و امام موسی کاظم (علیهم السلام) روایت کرده‌اند» (نجاشی، رجال النجاشی، ۱۴۱۶: ۱۱۰). وی درباره حسین بن بسطام به نقل از ابو عبد الله بن عیاش جوهری می‌گوید: «حسین بن بسطام بن شاپور زیات به همراه برادرش ابو عتاب، کتابی در علم طب نگاشته است که دارای نکات سودمند فراوانی است. آنان در این کتاب به بیان طب از راه مواد غذایی و فواید آن و همچنین از راه ادویه و تعویذات پرداخته‌اند (همان، ۳۹). آقا بزرگ تهرانی در الذریعه نیز کتاب طب الاثمه آن دو را یاد نموده است (تهرانی، الذریعه، بی‌تا: ۱۳۹/۱۵). سید محسن امین در اعیان الشیعه می‌گوید: «عبد الله و حسین، دو فرزند بسطام بن شاپور زیات، کتابی در طب ائمه (علیهم السلام) نگاشته‌اند که مجموعه روایاتی درباره خواص خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها و دعا برای رفع امراض می‌باشد» (امین، اعیان الشیعه، بی‌تا: ۶۱۰/۳).

۱۴۳

(۱۵) به نظر می‌رسد نویسنده بین دو اصطلاح تَفَال و استخاره از یک سو و استفاده از حرز یا طلسم از سوی دیگر خلط نموده و تَفَال و استخاره را هم از مصادیق حرز و طلسم دانسته است که چنین چیزی در فرهنگ اسلامی صحیح نیست؛ چه تَفَال و استخاره در توکل و واگذاری کار به خداوند ریشه دارد.

(۱۶) چنین ادعایی شاید در محدوده یا محل خاصی موضوعیت داشته است و الا در جوامع اسلامی عمومیت ندارد. البته این نکته وجود دارد که نویسنده حرز یا خواننده آن می‌تواند در تأثیری که حرز در شفا ایجاد می‌کند، نقش مهمی داشته باشد؛ برای مثال، اگر حرز مآثور از طریق شخص مؤمن و صاحب نفسی نوشته یا خوانده شود، تأثیر آن در بهبود بیماری بیشتر خواهد بود.

(۱۷) در اینجا نیز ملاحظه می‌شود که نویسنده دامنه حرز را بسیار وسیع دانسته و مواردی همچون تعبیر خواب و انرژی درمانی را هم زیر مجموعه حرز به شمار آورده است، در حالی که در فرهنگ اسلامی این دو خارج از اصطلاح حرز می‌باشند.

### نتیجه

۱- سحر و جادو استمداد از نیروی اجنه و شیاطین با استفاده از اوراد و اذکار یا اعمال خاص جهت تصرف در نظام تکوین بوده و نوعاً ابزاری برای سودجویی و اضرار به هم نوعان است. گاهی محتوای کفرآمیز و ارتکاب اعمال خلاف شرع را نیز به همراه دارد، درحالی که حرزهای توصیه شده در آموزه‌های دینی صرفاً در امور مفید به کار می‌رود و محتوای اکثر قریب به اتفاق آنها استعانت از حول و قوه الهی از طریق توسل به اسماء الله و توکل بر خداوند و استفاده از برکت موجود در آیات قرآن است.

۲- تعریف نویسنده از حرز تعریف جامعی نیست؛ چراکه حرز را محدود به حفظ در مقابل شیاطین، بیماری‌ها، جنون، چشم زخم و جن زدگی دانسته است، درحالی که طبق آموزه‌های دینی حرز در مواردی همچون حفظ در برابر بلاء، دشمن و حیوانات نیز به کار می‌رود.

۳- روش مؤلف در جمع‌آوری مطالب ناقص بوده و منابع شیعی مورد بررسی قرار نگرفته است. علاوه بر آن، گاهی عقاید خرافی طبقات اجتماعی خاصی به عنوان دیدگاه مسلمانان یا دیدگاه قرآن معرفی کرده است.

۴- به دلیل ناآشنایی مؤلف با مصطلحات اسلامی موضوعاتی مانند استخاره، تعبیر خواب، طب النبوی را هم در شمار حرز آورده است، در حالی که موضوعات ذکر شده از دایره حرز خارجند.

## پی‌نوشت‌ها

[1] Amulets (Encyclopaedia Of\_The Quran, 2001: vol-1, p. 77).

[۲] Kathleen Malone O'Connor، دارای مدرک دکترا در مطالعات دینی از دانشگاه پنسیلوانیا آمریکا، بخش وسیعی از تحقیقات او در زمینه شفای قرآنی و طلسم است (www.upenn.edu). مقاله دیگری از او با عنوان « Popular and Talismanic Uses of the Qur'ān » در جلد چهارم دایرة المعارف قرآن منتشر شده است ( Encyclopaedia Of\_The Quran, Leiden: Brill, 2004, vol-4, p. 163).

### فهرست منابع

۱. امین، سید محسن، اعیان الشیعه، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، بی تا.
۲. تهرانی آقا بزرگ، الذریعه الی تصانیف الشیعه، بیروت: دار الاضواء، بی تا.
۳. حمیری، عبدالله بن جعفر، قرب الاسناد، قم: مؤسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث، ۱۴۱۳ق.
۴. خویی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحديث، نشر توحید، ۱۴۱۳ق.
۵. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، دانشگاه تهران، ۱۳۷۶ش.
۶. شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه، من لایحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ق.
۷. قمی، شیخ عباس، الباقیات الصالحات، حرز امام رضا (ع) انتشارات آیین دانش، ۱۳۸۶.
۸. کفعمی، تقی الدین، مصباح الکفعمی (جَنَّهُ الامان الواقیه و جَنَّهُ الایمان الباقیه)، منشورات الرضی و منشورات زاهدی، ۱۴۰۵ق.
۹. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷ش.
۱۰. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۱۱. مهج الدعوات و منهج العبادات، علی بن موسی بن محمد بن طاووس، چاپ سنگی، ۱۳۲۳ق.
۱۲. نجاشی، رجال النجاشی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۶ق.
۱۳. یعقوبی قاتنی، سید حسین، انیس الصادقین، دارالعلم، ۱۳۹۰ش.

14. Encyclopaedia Of\_The Quran, Leiden: Brill , 2001-6